

## بررسی و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی و اسلامی (ملّی و دینی) در آثار مصطفی مستور

مصطفی گرجی\*

حسین اسدی\*\*

### چکیده

مصطفی مستور از نویسندگان برجسته پس از انقلاب اسلامی به ویژه دهه اخیر است که تا کنون حدود نه اثر روایی در قالب آثار داستانی به چاپ رسانده است. مهم‌ترین اثر او «روی ماه خداوند را ببوس» است که به عنوان اثر برگزیده در دهه هشتاد انتخاب شده است. نگاهی فراگیر به مجموعه آثار مستور نشان می‌دهد که گفتمان برتر و غالب در گفتمان روایی او؛ گفتمان اخلاقی، معنوی و دینی و حتی در مواردی گفتمان اسلامی است و لذا در آثار او، عناصر مربوط به هویت‌های ملّی و دینی به کرات دیده می‌شود. از آنجایی که او به مسایل زندگی و اتفاقات و حوادث واقعی در زندگی شخصیت‌های داستانش می‌پردازد؛ بررسی هویت‌های ملّی و دینی در آثار او می‌تواند خواننده را به شناخت جامعه ما در دهه‌های اخیر یاری دهد. با توجه به این امر در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی سعی شده است تمام عناصر ملّی - دینی در آثار مستور طبقه‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل شود. بررسی و تحلیل آثار مستور با نگاه به موضوع مورد بحث نشان می‌دهد که حدود ۵۳ عنصر مربوط به هویت دینی - مذهبی و ۵۹ عنصر مربوط به هویت ملّی - ایرانی‌پرستگی خاصی دارند. مهم‌ترین عناصر دینی و معنوی در آثار مستور حضور خداوند، نوع نگاه و تلقی خاص از مرگ، آفرینش و مباحث مربوط به هستی‌شناسی، قضا و قدر الهی، آخرت‌گرایی، بهشت و جهنم، گزاره‌های عملی دینی نظیر اذان، نماز و ... و مهم‌ترین عناصر ملّی زبان زدها، نوع خاص سوگند، خواستگاری‌ها، عروسی، عزاداری و ... است که در این پژوهش به ابعاد و زوایای مختلف این عناصر توجه شده است. همچنین در کنار بررسی هویت‌هایی از عناصر ملّی - دینی، هویت‌های منفی رایج در این برهه زمانی نیز بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: هویت، ملّی، دینی، مصطفی مستور، گفتمان بومی‌گرایی

\*دانشیار دانشگاه پیام نور

\*\*کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

یکی از موضوعات رایج در پژوهش‌های ادبی، بررسی هویت‌های ملی و دینی در آثار شاعران و نویسندگان است که محققان کمتر بدان پرداخته‌اند. شاید علت عدم اقبال در این باشد که بررسی هویت‌های ملی و دینی از نظر موضوع در قلمرو تحقیق در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد و یا بررسی متون هنری و ادبی که عموماً جزو آثار ادبی هستند؛ در قلمرو و ساحت تحقیقات زبانی و ادبی بیشتر قابل تامل هستند. با این توجه محققان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی چندان به این نوع تحقیقات در آثار ادبی توجه ندارند و بررسی این دسته از متون را با توجه به نقش هویت و عناصر هویت‌ساز دینی، ملی، قومی و... چندان جدی نمی‌گیرند و همچنین محققان ادبی به دلیل اینکه در مقام عمل از آثار ادبی انتظار بازخوانی عناصر و مؤلفه‌های هویتی ندارند؛ چندان به این نوع از موضوعات و این دسته از پژوهش‌ها توجه ندارند. بازخوانی متون و شاهکارهای ادبی جهان در طول تاریخ نشان می‌دهد که هر متن در هر دوره و جغرافیای تولید و نگارش اثر، لاجرم در یک بافت و زمینه تاریخی بزرگتر قرار می‌گیرد که در نوع و شیوه نگارش متن تأثیر بی‌انکارناپذیر دارد. فرهنگ، زبان، زمان، باور و اعتقادات نویسنده از یک سو و زمینه‌های تأثیرگذار دیگر در تولید متن ادبی همچون سنخ روانی، سن، جنس مؤلف و نویسنده متن ادبی و... از سویی دیگر همه و همه عواملی است که در تولید متن تأثیرگذار است. این عوامل تنها بخشی از مباحث مربوط به جامعه‌شناسی ادبیات است که در پژوهش‌های ادبی بدان توجه می‌شود.

با این نگاه در این پژوهش نویسنده سعی می‌کند با توجه به مجموعه پیشینه پژوهش در حوزه بررسی عناصر هویت‌مند و هویت‌ساز انسان ایرانی مسلمان در آثار ادبی، به بررسی مجموعه آثار ادبی مصطفی مستور در حوزه ادبیات داستانی معاصر دست یازد. او نویسنده‌ای معناگراست و به هویت‌های دینی و همچنین هویت‌های ملیت‌توجه‌ای خاص داشته است. بررسی اجمالی نشان می‌دهد که او در حوزه مباحث مربوط به بومی و بومی‌گرایی، در قالب رمان و داستان به این مؤلفه‌ها توجه جدی دارد و سعی می‌کند به صور و انحای مختلف به باورهای دینی و مذهبی انسان ایرانی، سنت و فرهنگ ایرانی، زندگی اخلاقی، نقش معنویت در کمال انسان و... توجه کند و در مواردی منتقدانه و پرسشگرانه به نقد هویتی مؤلفه‌های هویت‌ساز انسان ایرانی بپردازد.

## تعریف مفاهیم

### هویت:

این مفهوم در لغت از ریشه «هو+یت» عبارت است از تشخیص و همین معنا میان حکیمان و متکلمان مشهور است: «هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌گردد؛ گاه بر تشخیص اطلاق می‌گردد که عبارتست از حقیقت جزئیة.» (دهخدا. «هویت») هویت آن چیزی که مایه شناختن ما از دیگران می‌شود شخصیت هر فرد است که نشان می‌دهد که او شبیه به هیچ کس دیگر نیست «هویت هر شخص از انبوهی عناصر تشکیل می‌شود که بی‌گمان به آن چه روی اسناد رسمی ثبت شده محدود نمی‌گردند؛ اکثریت آدم‌ها تعلقات گوناگونی دارند؛ تعلق به یک سنت مذهبی؛ ملیت، به یک گروه نژادی، قومی یا زبانی به یک شغل؛ به یک نماد و...» (معلوف، ۱۹۴۹ / ۱۳۸۱: ۱۴ و ۱۵). به طور کلی ما با سه نوع هویت شخصی<sup>۱</sup>، صنفی<sup>۲</sup> و باطنی<sup>۳</sup> مواجه هستیم. هویت‌های شخصی و صنفی به جهات ظاهری انسان مربوط است و هویت باطنی مربوط به بعد روحی و ماورای طبیعت انسان است. «هویت به عنوان یک واژه و امر انتزاعی به مانند مفاهیم ذهنی همواره محل شبهه بوده و علمای زبان‌شناسی در تعریف آن همواره احتیاط را رعایت و از بیان یک تعریف دقیق، جامع و مانع پرهیز کرده‌اند. آنچه در این میان بیش از پیش قابل تأمل و توجه است، دادن مصادیق هویت در این تعاریف است. مراد از هویت ایرانی در این پژوهش، مجموعه ارزش‌های ملی، دینی و انسانی است که دارای ابعاد تاریخی (هویت تاریخی) جغرافیایی (آب و خاک)، سیاسی، دینی، فرهنگی و بُعد زبانی و ادبی (موسیقی، ادبیات عامه و ...) است. با این مقدمه، مهم‌ترین عناصر مؤلفه‌های اثر ادبی بومی‌گرا- در این متن و بستر- با توجه به دو حوزه مذهب و ملیت است.

### بومی و ادبیات بومی‌گرایی:

۱. با شناخت این هویت، انسان از خصوصیات شخصی و فردی خودآگاه می‌شود، و به خصوصیات که جهات بدنی او از آن‌ها نشأت گرفته و متکون شده است، پیمی- برد. و از این مقوله است اقلیم، آب و خاک، و محل تولد، یعنی ویژگی‌های جغرافیایی، که آن‌ها نیز جزء اسباب و علل تشکیل هویت شخصی است. (حکیمی، ۱۳۶۰: ۱۸ و ۱۹)
۲. هویت صنفی و شغلی و اجتماعی است؛ «هویت فرهنگی و اعتقادی و ایدئولوژیکی نیز به همین هویت مربوط است. (همان: ۱۹)
۳. هویت باطنی مربوط به جنبه خویشتن واقعی انسان است؛ یعنی بعد روح انسان. (همان: ۲۱)

بومی و بومی‌گرایی اگرچه می‌تواند مترادف مفاهیمی چون قوم‌پرستی، محلی‌گرایی، خانواده‌گرایی، خویشاوندگرایی و ... باشد؛ در حالت فراگیر مجموعه عناصر و عوامل هویت بخش مذهبی و ملی است که ممیز فرهنگ ایرانی و اسلامی از سایر فرهنگ‌هاست. ویژگی و شاخصه‌هایی چون سرزمین و وطن، آیین و رسوم، آداب و عیاد، فرهنگ عامه مربوط به ازدواج و مرگ، قوم و نژاد، خط و زبان، گویش‌ها، توجه به فرهنگ عامه در مقابل تمدن و اقلیم و منطقه‌ی خاص در مقابل شهر و عناصر شهری، موسیقی محلی، خط و زبان فارسی، ضرب‌المثل‌ها، توجه به سرنوشت ملی و ... از یک سو و اعتقادات، اعمال، شعائر، عوامل و نشانه‌هایی چون اشارات و تلمیحات مختلف مذهبی و دینی و آیات و احادیث، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم خاص مربوط به مذهب «شخصیت‌های مذهبی و ملی و دینی، باورها، اعتقادات قومی و محلی و مسائل اخلاقی و باورهای بومی و ارزشی، توجه به سرنوشت مذهبی، نوع نگاه به الگو و دستورالعمل‌های عملی مربوط به شریعت و مذهب، عناصر هویت بخش مذهبی و ... از سویی دیگر تنها بخشی از مصادیق بارز مفهوم بومی‌گرایی در آثار ادبی فارسی است. البته باید توجه داشته باشیم ادبیات بومی با واژگانی نظیر اقلیمی و منطقه‌ای همسویی دارد و ممکن است با آنها اشتباه شود. ادبیات اقلیمی نوعی از ادبیات بوده که مختص مناطق جغرافیایی دور از مرکز باشد و باید از جغرافیای طبیعی (کوه، جنگل و ...) گویش محلی و اصطلاحات منطقه‌ای، آیین و رسوم و جشن‌ها، جغرافیای انسانی و مذهب یک منطقه سرچشمه گرفته باشد. بنابراین نسبت ادبیات بومی با اقلیمی می‌تواند از نوع عموم و خصوص مطلق (جزء و کل) باشد، یعنی هر ادبیاتی از نوع ادبیات اقلیمی می‌تواند از جنس بومی هم باشد ولی هر ادبیات بومی نمی‌تواند از نوع ادبیات اقلیمی باشد چرا که در ادبیات اقلیمی تکیه صرف بر عامل جغرافیا و آب و خاک است در حالی که ادبیات بومی وسیع‌تر از نوع اقلیمی بوده و به تمام زمینه‌های فرهنگی، زندگی اجتماعی و طبیعی مردم، نقل و انتقال و حتی جغرافیا و ... اطلاق می‌شود.

### بومی‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر:

در ادبیات کشور ما، به خصوص پس از رواج داستان نویسی به شیوه جدید، و با توجه به اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در صد سال گذشته، توجهی خاص به بومی‌گرایی شده است. «بومی‌گرایی واکنش روشنفکران بود که می‌خواستند مخاطبان خود را به اصالت‌ها و ریشه‌هایشان توجه دهند. بنابراین کشورهای فراوانی که در معرض استعمار قرار داشتند به این موضوع توجه کردند و طبیعتاً جریان‌های گوناگون روشنفکری در ایران نیز به آن بی‌توجه نماندند. بیگانه ستیزی، توجه به هویت ایرانی اسلامی و تقابل این

مؤلفه‌ها با موضوع مدرنیسم از عمده‌ترین مؤلفه‌های داستان‌های بومی گراست.» (صدیقی، ۱۳۸۸: ۹۸) جمال-زاده و آل‌احمد دو تن از نویسندگان مهم در عرصه‌ی بومی‌گرایی به حساب می‌آیند: «اگرچه آل‌احمد در نیمه راه درگیر مسایل حزبی می‌شود، جمال‌زاده تا پایان دوران داستان نویسی‌اش همچنان یکی از پرکارترین نویسندگان بومی‌گرا باقی می‌ماند.» (صدیقی، ۱۳۸۸: ۱۰۰) «از دیگر نویسندگان در این عرصه می‌توان از سیمین دانشور همسر جلال‌آل‌احمد یاد کرد «سووشون» نمونه کامل یک رمان بومی‌گرا به حساب می‌آید. این رمان علاوه بر آن که تمام مؤلفه‌های بومی‌گرایی را که در آثار دیگر پراکنده است در خود جمع کرده، از ساختار روایی استواری نیز برخوردار است.» (همان) «غلامحسین ساعدی، احمد محمود، محمود دولت‌آبادی از نویسندگان دیگری هستند که در داستان‌های متعددی بر موضوع بومی‌گرایی توجّه نشان داده‌اند.» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۲۵۷) «آنها به سبب انتخاب روستا به عنوان مکان در بسیاری از داستان‌ها، رنگی اقلیمی نیز به داستان‌های خود داده‌اند.» (همان، ۱۰۱) امروزه نیز نویسندگانی نظیر مصطفی مستور به واسطه فرهنگ دینی و ملی خود، در آثار داستانی خود به بومی‌گرایی و ادبیات بومی توجّه خاصی دارند.

#### عناصر مذهبی - بومی:

دین به عنوان یک نگرش در میان ملت ایران ریشه‌ای تاریخی دارد؛ آئین مهرپرستی، زردتشی و اسلام از مهم‌ترین ادیانی هستند که در میان مردم ما رواج داشته است؛ با ورود اسلام به ایران، دین همه جوانب زندگی را در بر گرفت؛ تا جایی که حکومت‌های دینی در ایران شکل گرفت؛ در ایران حکومت صفوی به عنوان اولین حکومت مستقل دینی، شیعی اعلان رسمیت کرد. مردم ما در کنار هویت ملی خود به هویت‌های دینی خود افتخار می‌کنند و به طور کلی هویت ملی به همراه هویت دینی، ملیت ما را شکل می‌دهد.

#### بررسی و تحلیل عناصر مربوط به هویت دینی و ملی در آثار مستور

با نگاهی فراگیر به درون مایه‌های برترو مسلط داستان‌های مستور و با مروری اجمالی به مجموعه آثار او چنین مستفاد می‌شود که موضوعاتی همچون مرگ، خدا، عشق و زن، اضطراب و تنهایی انسان و ... در آثار او از بسامد و حضور بیشتری برخوردار هستند. او معتقد است اگر زنی در کار نباشد عشقی هم در کار نیست. زن در آثار او در همه جا حضور دارد و نگاه او نگاهی احترام‌آمیز همراه با نگرشی مثبت است. نگاه او به زن نگاهی اثیری و ایده آل و آرمانی نیست بلکه او زن را ساکنان روشن، معصوم و معنادار زندگی می‌داند.

داند. زنان در داستان های او اگرچه اکثرا تحصیل کرده هستند او طبقه خاصی از زنان را مدنظر قرار نمی دهد حتی زنان خیابانی در داستان های مستور به طور عموم سرانجام نیک دارند؛ مستور در پس به تصویر کشیدن زنان بدکار، هیچگاه به دنبال تفکر فمینیستی، همان روابط آزاد نیست؛ به طور کلی نگاه او به اینگونه زنان نگاهی اصلاحی و تربیتی است. از نظر او زنان از هر گروه و طبقه ای باشند نیمه ی حلال زندگی اند و مردان نیمه ی حرام آن. به طور کلی می توان گفت: گرانبهاترین واژه و مضمون در آثار مستور، عشق از نوع عشق بی وصال است. او در نهایت ظرافت و زیبایی عشق را می ستاید و زن را مقدس می شمارد. عشق مورد نظر او بیشتر از نوع عشق بالغانه است. مستور عشق را عامدانه و عالمانه به عشق «آگاپتیک» نظر دارد و سعی می کند آن را تبیین و تشریح کند. عشقی که عاشق معشوق را فقط و فقط برای خودش می خواهد نه چیز دیگر. توضیح این امر نیز لازم است و آن این که عشق اخیر در مقابل عشق ارتیک قرار می گیرد که عمدتا مستور از آن تعبیری همچون همخوابی، لذت جنسی و ... یاد کرده است. مستور با تاسی از عشق عارفانه مجنون وار در ادبیات عرفانی که شاخصه ی بارز و هویت مند متون عرفانی ایرانیان است سعی می کند این دو عشق را در مقابل هم و بصورت «تز» و «آنتی تز» برای مخاطب ترسیم و توصیف کند و یکی را بر دیگری برکشد. اگرچه او به مانند عارفان به عشق آسمانی و فرزمینی قایل نیست، بلکه همچون عامه مردم عشق زمینی را عشقی مقدس می داند البته نگاه عاشقانه او با نگاه معاشیق زمینی یک تفاوت اساسی وجود دارد و آن این است که: برای ارج نهادن به عشق معتقد به تماس و وصال جسمانی نیست؛ حتی در جایی که می خواهد یک ابطه نامشروع اتفاق بیفتد، نه تنها بین آن ها تماس از نوع جسمانی اتفاق نمی افتد بلکه موجب تحول روحی و روانی نیز می گردد. عشق در نگاه مستور نه تنها پوچ و مضحک نیست بلکه امری متعالی و رهایی بخش است. چنان که ازدواج قابلیت آن را ندارد که جایگزین مناسبی برای عشق باشد. یاد کرد این نکته ضروری است که صورت تفضیلی و انتقادی گرایش مستور به انعکاس عناصر مربوط به هویت ایرانی و اسلامی در مباحث بعدی خواهد آمد.

#### عناصر مربوط به هویت دینی و مذهبی:

هویت دینی جزء جدایی نا پذیر هر فرد است؛ آیین الهی در نهاد هر فرد نهفته است و عموما انسان ها خدا خواه و معنویت طلب هستند و انبیا و پیامبران برای جهت دادن درست به انسان ها در دوره های خاصی از تاریخ مبعوث گشتند. قسمتی از هویت ایرانیان را دین و مذهب تشکیل می دهد؛ البته لازم به ذکر است منظور از دین، صرفا دین اسلام نیست. هویتی که به اعتقادات ایدئولوژیکی و دین و مذهب

انسان شامل می شود ، جزء هویت های دینی است. به طور کلی هویت دینی ما ایرانیان در حوضه های معرفت شناسی ، هستی شناسی ، خدا شناسی ، جهان شناسی ، انسان شناسی ، وظیفه شناسی (اخلاق) ، غایت شناسی ( هدف و معنای زندگی) قابل بحث و بررسی است. با توجه به دین رسمی کشور ما و مذهب تشیع ، افکار و باور های دین اسلام به خصوص مذهب شیعه در آثار نویسندگان ما بسیار پررنگ است.

### عناصر مذهبی - بومی در آثار مصطفی مستور

در یک نگاه فراگیر و اجمالی مهم ترین عناصر دینی و مذهبی که در آثار مستور آمده است شامل ۵۳ مورد است که در ذیل با توجه به اهمیت و بسامد مضامین به بحث و بررسی درباره ی هر کدام از مؤلفه ها و نحوه کیفیت ظهور و بروز آن در مجموعه آثار او می پردازیم. یکی از مباحث مهم و پربسامد در حوزه عناصر و مؤلفه های دینی و مذهبی در آثار مستور خداوند است که در ذهن و ضمیر مؤلف حضور پررنگی دارد. مستور به عنوان یک انسانِ موحدِ متعهد به دین و مذهب (اسلام) به مساله خدا در آثار خویش توجه زیادی کرده است و شاید بتوان ادعا کرد در اکثر آثار او خدای متشخص انسان وار و البته رحمان و رحیم (با توجه به الگوی قرآنی) حضور جدی دارد؛ اگرچه در مواردی تردید و تردد درباره چنین خدایی در ذهن و ضمیر شخصیت ها خلجان می کند؛ در پایان باورمندی به وجود و حضور او ملموس و پررنگ است. با این توجه محوری ترین پیام آثار مستور به ویژه در «روی ماه خدا رو ببوس» خداوند و باورمندی به اوست؛ او معتقد است که اگر احتمال بدهم خدا وجود نداشته باشد پس مرگ پایان همه چیز خواهد بود و این برای بشر یک باخت بزرگ است. هر اندازه ای که به خداوند ایمان داشته باشیم به همان اندازه برای ما وجود پیدا خواهد کرد و هستی خداوند به میزان ایمان ما کاملاً مرتبط است. او معتقد است خداوند هست و بودنش ربطی به دانایی و تردیدهای ما ندارد. و به هیچ وجه نمی توان او را از زندگی خودمان محو کنیم و کنار بگذاریم. او با توجه به آیه ی «اللّٰهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَلَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» (قرآن، بقره: ۲۵۵) به ازلی و ابدی بودن خداوند و هم چنین به لازمان و لامکان بودن خداوند اشاره می کند. مستور گاهی هم خداوند را از منظر یک کودک می بیند و گاهی او را شبیه نرگس خانم می بیند، در حقیقت با زبان کودخانه

و عامیانه او را به شکل یک انسان مجسم می‌کند و ما را به یاد داستان موسی و شبان از مولوی می‌اندازد. او وجود خداوند را مهم و ارجمند می‌داند و معتقد است اگر خداوند وجود داشته باشد، مرگ پایان همه چیز نخواهد بود. با این عقیده او مرگ را پایان راه زندگی بشر نمی‌داند بلکه معبری به زندگی دیگر می‌داند در این صورت ما فقط یک بار زندگی نمی‌کنیم و از لذت‌های بسیاری برخوردار می‌شویم. همان‌طور که ما می‌دانیم یکی از وجوه تراژیک زندگی انسان مساله مرگ است که به تعبیر و قاموس دینی گریز و گزیری از آن نیست. امام علی (ع) در نهج البلاغه در فرازی گفته‌اند کِهْوَ كُلُّ مُدَّةٍ فِيهَا إِلَىٰ إِنْتِهَا وَ كُلُّ هِي فِيهَا إِلَىٰ فَنَاءِ (نهج البلاغه، ۱۳۸۴: ۱۳۱) مستور در این گفتمان دینی و وحیانی برآن است که زنده‌هایی را که زندگی‌شان با مرده‌ها هیچ تفاوتی ندارد و با مرگ‌شان هیچ اتفاق خاصی نمی‌افتد؛ با مرده‌ها یکسان بیندارد. او با سوالاتی ساده از خلقت و آفرینش موجودات و جهان هستی و با الهام از آیه‌ی «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (قرآن، آل عمران: ۱۹۰) ما را به تفکر وامی‌دارد. او به کرات و مرات آرامش را به تاسی از قرآن و آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (قرآن، رعد: ۲۸) در گرو یاد خداوند می‌داند. و در برابر قضا و قدر الهی تسلیم خواست و اراده خداوند است همان‌طور که می‌دانیم یکی از مهم‌ترین مباحث کلام، محث جبر و اختیار است؛ شیعیان نه به جبر مطلق اعتقاد دارند نه به اختیار مطلق بلکه حدّ وسط و بینابین را در نظر می‌گیرند. با توجه به آثار مستور او هم به جبر معتقد است هم به اختیار. به طور کلی تولّد، زندگی و سرنوشت را تقدیر محتوم الهی می‌داند، ولی همین تقدیر محتوم را با یک دعا به درگاه خداوند و یا معجزه‌ای از جانب او می‌توان تغییر داد. «الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقِضَاءَ وَلَوْ أBRAMًا اBRAMًا.» او معتقد است اختیار معنای مستقلّی ندارد. و اختیار تابع نظمی است و آن نظم هم بر اراده و خواست خداوند استوار است. او با توجه به آیه‌ی «إِن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» (قرآن، اسراء: ۷) اگر نیکی کنید برای خویش نیکی کرده‌اید شر را مقابل نیکی قرار می‌دهد و تنها راه رستگاری و نجات را خوب بودن می‌داند اگر چه خوب بودن دشوار باشد. نگاه او به روح، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ او معتقد است اگر قرار باشد بین دو نفر پیوندی برقرار شود، این پیوند نباید از بعد تماس جسمانی باشد، بلکه باید پیوند بین دو روح باشد؛ او قایل به تماس روحانی است نه جسمانی. به طور کلی عشق و دوستی را در بعد جسمانی مذموم و ناپسند می‌داند؛ و هر چیزی که موجب تغییر و بازسازی روح آدم‌ها باشد نوعی استحاله می‌داند. و عشق را منشأ الهام می‌داند؛ عشق موجب می‌شود که عاشق شعر بگوید و یا عشق، منشأ و منبع الهام یونس شاعر می‌شود. خواب دیدن شخصیت‌های آثار او بیش‌تر جنبه روحی و معنوی دارند که می‌توان از آن‌ها تعبیرات



دینی و معنوی داشت. او با نگاهی به آخرت گرایمی معتقد است این دنیا است که آخرت ما را می‌سازد و ما در آخرت بازتاب اعمال و رفتار خود در این دنیا را می‌بینیم؛ و دنیا را مزرعه آخرت می‌داند. و ملکوت را مقدس‌تر و برتر از آن می‌داند که بخواهد در اختیار افراد دنیا پرست قرار گیرد او ملکوت را در برابر دنیا قرار می‌دهد و عالم معنا را بر دنیا برتر می‌داند. او عبور از پل صراط را که یکی از مراحل سخت بعد از مرگ است که معمولاً انسان‌های نیکوکار و موحد به راحتی از آن می‌گذرند و انسان‌های بدکار و بی‌ایمان از آن به قعر جهنم می‌افتند یادآور می‌شود. و از نشانه‌های قیامت، دگرگونی ناگهانی طبیعت و حدوث رویدادهای طبیعی نظیر خورشید گرفتگی و زلزله و... را به یاد ما می‌آورد. و رسیدن به بهشت را نتیجه‌ی اعمال انسان‌ها و شهادت در راه حق می‌داند و جهنم را مجازات انسان‌های بدکار و سرانجام کافران یاد می‌کند. «رَسُولُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تَلْكُمُ الْجَنَّةَ أَوْ رُثْمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» پروردگار، به حق و خوانده شدند که اینک بهشت ارث داده شدیدش بدانچه بودید می‌کردید. (قرآن، اعراف: ۴۳) او در آثارش به فرایض دینی توجه خاصی دارد: اذان، وضو گرفتن و پهن کردن سجاده در آثار مستور ظهور و بروز بسیاری دارد. او نماز را ستون دین می‌داند و راهی می‌داند برای ایجاد و ارتباط و صحبت کردن با معبود خویش. مستور در این گفتمان دینی و اسلامی به مؤلفه‌ی نماز و آداب آن توجه زیادی کرده است و شخصیت‌های داستانی خود را باین ورزه دینی نشان داده است؛ او معتقد است بعد از خواندن هر نماز بنده بیش‌تر احساس نزدیکی با خدا را می‌کند و فاصله خود را با خدا کم‌تر می‌کند. مستور به عنوان یک مسلمان معتقد، در داستان‌هایش سیمای زن مسلمان را با حجاب به تصویر در می‌آورد؛ و مسأله‌ی حجاب و محرم و نامحرم را به عنوان یک محدودیت شرعی خاطر نشان می‌سازد. یکی از گزاره‌های دینی، تلمیحات دینی و مذهبی است. او اشاره -هایی به داستان مکالمه خدا با موسی و تجلی نور الهی، اصحاب کهف، معراج و سخن حضرت علی (ع) در مذمت دنیا دارد. به طور کلی در مجموعه آثار مستور در چند فقره به پیامبران و سوانح حیات آنها اشاره شده است: یکی معجزه‌ی شق القمر توسط حضرت محمد (ص) و دیگر معجزه‌ی حضرت مسیح و شفای بیماران و دیگر اشاره به مکالمه حضرت موسی با خداوند در کوه طور است. مستور با توجه به گفتمان دینی و معنوی حاکم بر نوشتارش، به وجود فرشتگان یقین کامل دارد و به سخن حضرت علی (ع) استناد می‌کند که می‌گوید: «تَمَّ خَلَقَ الْإِسْكَانَ سَمَوَاتَهُوَ عَمَارَةُ الصَّفِيحِ الْأَعْلَى مِنْ مَلَكُوتِهِ، خُلُقًا بَدِيعًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ». (نهج البلاغه، ۱۳۸۴: ۱۱۴ و ۱۱۵). او وحی را الهاماتی از غیب می‌داند و با نگاه به پدیده‌های طبیعی با خدا ارتباط برقرار می‌کند؛ در نگاه او برف می‌تواند نشانه‌ای از الهامات غیبی و وحی الهی بر بنده‌اش باشد و بنده بتواند بدین وسیله بی‌واسطه با پروردگارش ارتباط برقرار کند. لازم به ذکر است او در دو مورد آیات

قرآنی را در آثارش به طور مستقیم ذکر کرده است: سوره ی طه آیه ی ۱۲ و ۱۳ و سوره ق آیه ی ۳۶. تفکرات مذهب تشیع در آثار مستور نمود خاصی دارد. او حضرت علی (ع) را نمونه یک انسان کامل می‌داند و معتقد است که اگر ما پیرو او باشیم به یقین رستگار می‌شویم؛ او حتی شناخت علی از خداوند را برتر و بالاتر از شناخت موسی نسبت به خدا می‌داند؛ و به عنوان یک مسلمان شیعه به عزاداری امام حسین توجهی خاص دارد به طوری که در قالب داستان با بیانی صمیمی روضه امام حسین را می‌آورد و معتقد است که همه افراد جامعه حتی بدکاران و بدنامان نیز در این عزاداری شرکت می‌کنند و برای عزای امام حسین (ع) اشک می‌ریزند؛ و تنها حدیثی که در آثارش به کار برده حدیث: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهَدَى وَ سَفِينَةَ النَّجَاتِ» از امام صادق (ع) است. و در گفتمان دینی خود روضه خوانی و صحنه های آن را که بیش‌تر در رثای شهیدان کربلا برپا می‌شود با زیبایی تمام به تصویر می‌کشد. مستور با توجه به آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قرآن، قصص : ۵) به ظهور منجی و مسئله‌ی انتظار اشاره دارد و معتقد است در زمان انتظار تنها کاری که از دست ما انسان‌ها ساخته است این است که صبر کنیم و خوب باشیم در این صورت منجی بشریت ظهور می‌کند و همه چیز را اصلاح می‌کند. یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت دینی در آثار مستور بازتاب اماکن مقدس شامل مسجد و امامزاده است که در آثار او ظهور و بروز پیدا کرده است؛ هم چنین زیارت اماکن مقدس از جمله حرم امام رضا و امامزاده‌ها یکی از سنت‌های رایج و باور ایمانی مردم ایران است در آثارش منعکس شده است. زیارت اهل قبور و یادکرد اموات از جمله باورهای دینی - اعتقادی مردم ماست که به آن نیز اشاره کرده است. اگرچه مستور نگاهی عارفانه و صوفیانه به شخصیت‌های داستانش ندارد اما در چند مورد به این گروه اشاره کرده است. در بین شخصیت‌ها و اسطوره‌های دینی نیز به حلاج و اهورا خدای یگانه اشاره نموده است. یکی از اعتقادات مذهبی ما نذر کردن به درگاه خداوند است. نذر نوعی تمسک به خداوند و ائمه معصومین است که در آثار مستور به عنوان یک ورزه دینی اشاره شده است. مستور با توجه به گفتمانی قرآنی «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (قرآن، طلاق : ۲) به موضوع توکل به خداوند توجه زیادی کرده است. او مسجد را پایگاه مسلمین و عبادتگاه مؤمنان می‌داند که در بین ما مسلمانان از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. اگر چه در آثار مستور به طور غیر مستقیم مفاهیم دینی از ادیان مختلف نظیر دین یهود و مسلمان آمده اما کم‌تر به کتاب دینی اشاره شده است. یکی دیگر از مؤلفه‌های دینی - اعتقادی در آثار مستور مساله ارتداد و برگشتن از دین اسلام است و معتقد است هر کسی که از اصول دین اعتقادی خود برگردد مرتد است؛ و گناه را آلودگی می‌داند و غفران و آمرزش خواستن از درگاه خدا را موجب پاکی از آلودگی‌ها. غفران و

آمزش گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را مصفا می‌سازد. مستور به این مسأله و توبه از گناه به عنوان یکی از ورزهای دینی شخصیت‌های داستان اشاره می‌کند. و به این باورمندی رسیده است که اگر معیار کارهای ما خداوند باشد هیچ‌گاه پشیمان نمی‌شویم؛ هم دنیایمان را آباد می‌سازیم و هم آخرت را. او در داستان‌هایش به چند مسئله‌ی فقهی - حقوقی نیز اشاره دارد: یکی از قوانین حقوقی در اسلام قصاص و اعدام است که در صورت بروز قتل عمد به اجرا در می‌آید. و دیگر دیه است؛ یکی از مواردی که در مبحث حقوق جزا درباره دیه مطرح است این است که هرگاه قاتل بیش از یک نفر باشد در صورت قصاص قاتلین اولیای دم باید دیه بیش از یک قاتل را پرداخت نمایند. این مسأله در آثار مستور به عنوان باور شرعی و دینی بازتاب یافته است. یکی از حقوق زن بر شوهر مهریه است. در داستان‌های مستور هیچ‌گاه زنان با وجود اختلاف و جدایی از همسرشان مهریه‌ای دریافت نمی‌کنند چون اکثراً طلاق توافقی می‌کنند و مهریه-شان را می‌بخشند. یکی از قوانین حقوقی طلاق است، مستور در جایی عشق را فراتر از قانون می‌داند با وجود آنکه مرد همسرش را به خاطر خیانت طلاق داده بود اما خاطر عشق به همسرش نمی‌تواند او را فراموش کند و هم چنین مسئله‌ی حضانت را عنوان می‌کند و معتقد است طبق قانون حقوقی و شرعی هر کدام از زوجین که صلاحیت داشته باشند باید حضانت فرزند را برعهده بگیرند. عقد موقت نیز به عنوان یکی از حقوق دینی در آثارش انعکاس یافته است. به طور کلی نگاه مستور نسبت به عقد موقت مثبت نیست و مثل خیلی از مردم این امر را ناهنجار می‌پندارد، اگر چه او به صراحت این مسأله را بیان نمی‌کند اما در داستان‌هایش عقد موقت و صیغه را در کنار دیگر ناهنجارهای اجتماعی و هویت‌های منفی (نامشخص) قرار می‌دهد.

در یک نگاه فراگیر مهم‌ترین عناصر دینی و مذهبی (۵۳ مولفه مهم) در آثار مستور به قرار ذیل است:

#### جدول عناصر دینی در آثار مستور

ردیف	عنوان	ارجاع منبع و صفحه
۱	خداوند	روی ...: ۳، ۴، ۱۶، ۳۵، ۶۳، ۳۴، ۷۳، ۷۸، ۸۸، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۳. دویدن...: ۳۳ و ۴۴ چند: ۶۶ و ۷۹، عشق...: ۲۰، ۲۱، ۹۳، ۹۵ استخوان...: ۴۹، ۵۰،

		۵۶، ۵۵، حکایت: ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۴۷
۲	مرگ	روی ...: ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۲۶ دانای کل: ۸۲، ۸۶، دویدن: ۴۱، ۴۲، تهران: ۶۶ و ۶۷. چند: ۲۲، ۲۸، ۵۷، ۵۸ گنجشک نیستم: ۱۹، ۳۱، ۷۸، ۸۰ عشق: ۵۲ استخوان: ۳۷، ۳۸ و ۴۲. حکایت: ۴۱
۳	خلقت و آفرینش	روی ماه: ۱۶
۴	ذکر و یاد خدا	عشق: ۹۴
۵	قضا و قدر الهی	روی ...: ۶، ۸، ۹۹، ۱۰۴ دانای کل: ۳۱ و ۳۵ دویدن: ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۴۰ تهران: ۴۱ چند: ۳۳، ۳۴ و ۹۰ گنجشک نیستم: ۳۱
۶	تقابل شرو نیکی	روی ...: ۸۷ عشق: ۸۷
۷	روح	روی ...: ۹۵، ۹۶، ۱۱۰ دانای کل: ۱۵، ۱۶، ۲۲. دویدن: ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۴۳، ۴۴ و ۴۶ تهران: ۲۹ چند: ۱۳، ۲۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۷، ۹۱ گنجشک نیستم: ۱۹ و ۶۴ عشق: ۲۱، ۲۳، ۸۴ حکایت: ۸، ۹، ۱۰، ۴۰، ۶۲ و ۶۳
۸	الهام	دانای کل: ۱۳ و ۲۶
۹	خواب	روی ماه: ۱۰۴، دانای کل: ۴۶ تهران: ۱۰، چند: ۱۵
۱۰	مراسم کفن و دفن	گنجشک نیستم: ۹، عشق: ۸ و ۴۲
۱۱	آخرت	چند: ۳۷
۱۲	ملکوت	دانای کل: ۲۲
۱۳	پل صراط	عشق: ۹۰
۱۴	قیامت	گنجشک نیستم: ۵۵ و ۸۴ عشق: ۹۳
۱۵	بهشت	روی ماه: ۳۰ و ۳۳ دانای کل: ۱۷ تهران: ۱۸، ۲۰، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۵ چند: ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۲۳، ۳۷ عشق: ۴۰، ۸۶ و ۹۴ استخوان: ۲۱
۱۶	جهنم	تهران: ۱۶، ۱۸، ۴۶، ۴۷ چند: ۳۷، عشق: ۸۷، ۹۰ استخوان: ۲۲ حکایت: ۳۲ و ۶۱

۱۷	اذان	روی ماه: ۳۶، ۵۹، ۷۷ تهران: ۱۲ و ۵۸ عشق: ۴۴ حکایت: ۶۴
۱۸	وضو گرفتن	دانای کل: ۱۴ چند: ۹۱ استخوان: ۵۸
۱۹	سجاده	چند: ۵۸ و ۵۹ عشق: ۹۳
۲۰	نماز	روی ماه: ۷۷، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶ چند: ۵۸، ۶۵ عشق ۹۳ و ۱۰۰ حکایت: ۴۴
۲۱	دعا	دانای کل: ۳۵، تهران ۲۴، حکایت: ۴۵
۲۲	حجاب	چند: ۱۹، ۲۱ گنجشک نیستم: ۳۴ استخوان: ۵۶ حکایت: ۸
۲۳	تلمیحات دینی و مذهبی	روی ماه: ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۳۶، ۵۲، ۵۵، ۷۱، ۹۰، ۱۰۵ تهران: ۵۵، عشق: ۴۶، استخوان: ۵۰
۲۴	پیامبران	استخوان: ۷۹
۲۵	فرشتگان	روی ماه: ۴۵، چند ۱۵ عشق: ۲۰ و ۹۳
۲۶	وحی	تهران: ۲۹
۲۷	معجزه	روی ماه: ۸۷ تهران: ۵۳
۲۸	استفاده از آیات قرآن	روی ماه: ۵۳ دانای کل: ۵۶ عشق: ۷۹ و ۸۵
۲۹	پاکان و معصومین	روی ماه خدا: ۸۸، ۸۹، ۱۰۶
۳۰	عزاداری امام حسین (ع)	چند: ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱ استخوان: ۶۳
۳۱	روضه خوانی	دانای کل: ۸۰، چند ۳۹ و ۵۹ عشق: ۳۹
۳۲	انتظار ظهور منجی	عشق: ۸۶، ۸۷
۳۳	اماکن مقدس	روی ماه: ۳۰، دانای کل: ۸۶، ۸۷، ۹۶ عشق: ۴۹، ۶۹، حکایت: ۳۵
۳۴	زیارت اماکن مقدس	روی ماه: ۹۸، تهران: ۱۹ و ۳۴ عشق: ۴۲، ۴۸، ۶۷
۳۵	زیارت اهل	استخوان: ۲۱ و ۲۳

	قبور	
گنجشک نیستم: ۸۱ عشق: ۸۵ استخوان: ۶۴	صوفی	۳۶
استخوان: ۶۴ حکایت: ۷	اسطوره های دینی	۳۷
عشق: ۹۳ و ۹۴	نذر	۳۸
تهران: ۲۴	توکل	۳۹
عشق: ۹۰، ۱۰۰ و ۱۰۳	مسجد	۴۰
عشق: ۲۶	کتب دینی و مذهبی	۴۱
عشق: ۲۶	ارتداد	۴۲
دانای کل: ۴۷	غفران و آمزش	۴۳
روی ماه: ۸۱ و ۸۲	کار برای خدا	۴۴
چند: ۳۹	حدیث	۴۵
عشق: ۴۰ و ۴۱	محرم و نامحرم	۴۶
دویدن: ۱۸ گنجشک نیستم: ۶۴	استحاله	۴۷
دانای کل: ۳۳ تهران: ۶۹، چند: ۴۷	قصاص و اعدام	۴۸
تهران: ۶۳، ۶۴ و ۶۵	عقد موقت	۴۹
استخوان: ۲۴	حضانة	۵۰
چند: ۴۷	دیه	۵۱
تهران: ۶۳، عشق: ۴۱ استخوان: ۹ و ۵۹	مهریه	۵۲
دانای کل: ۹۲ تهران: ۶۳، ۶۹، ۷۰ و ۷۱	طلاق	۵۳

«هویت در یک نگاه کلان، ابزار موجودیت و هستی هر قوم و تبار ملت و همان چیزی است که با نگاه تاریخی و انتقادی آن را موهبت اقوامی می‌دانند که دارای سوابق پر افتخار تاریخی و تمدن و فرهنگ هستند که به واسطه آن هستی آن قوم اعتبار و ارزش وجودی می‌یابد. قوم و ملت ما نیز این توفیق را یافته که بخش اعظمی از میراث نیاکان و فرهنگ خویش را که عناصر هویت بخش و فصل ممیز ما از اقوام بوده از خلال متن ادبی و عرفانی به اعصار بعد منتقل کند.» (تاجیک، ۱۳۸۶: ۳۹۰) اگر بخواهیم در حوزه هویت‌بحث کنیم باید عناصر تشکیل دهنده این هویت را بشناسیم. «از یک طرف عنصر نژادی، جغرافیایی، تاریخ، و خط و زبان و از طرف دیگر عناصر فکری، اعتقادی و فرهنگی تعیین کننده این هویت‌اند. از این نظر دو عنصر اصلی که یکی ماده و محتوای مفهوم ماهیت است و دیگری شکل و صورت آن، این شخصیت را شکل می‌دهند. ۱. عنصر نژادی، جغرافیایی و تاریخی به عنوان شکل و صورت ماهیت. ۲. عنصر فکری، اعتقادی و فرهنگی به عنوان ماده و محتوای ملیت عنصر نژادی، جغرافیایی و تاریخی ریشه های پیدایش انسان‌هایی را شکل می‌دهد که امروز در دنیا به نام ملت ایران شهرت دارد و این ملت رنگ و بوی یک نژاد خاص را در یک ریشه جغرافیایی مشخص با سنن و آداب اجتماعی معین داراست. همان‌طوری که عناصر فکری، اعتقادی و فرهنگی دیگری نیز برای این ملت وجود دارد که ریشه در تاریخ این سرزمین دارد یعنی در طول تاریخ حیات این ملت تحول یافته و در این دگرگونی تا به امروز با ریشه‌های طبیعی، سنن و آداب اجتماعی و عنصر نژادی ایران عجین شده است. پس وقتی ما از هویت و ملیت ایرانی بحث می‌کنیم یعنی عنصر واحدی که شامل و جامع این شخصیت‌ها است و در مقطع خاصی نمی‌توان این عناصر را از وی گرفت؛ بدون از هم گسیختن این شخصیت، زیرا این عنصر کاملاً شخصیت تاریخی دارد و انکار یا نفی هر بخشی از این تاریخ به منزله انقطاع تحول تاریخی این شخصیت و بی هویت کردن آن یا گسست هویتی عنصر ایرانی می‌باشد» (نامدار طالشانی، ۱۳۸۱: ۱۵۴) البته باید گفت ما نباید مفهوم ملیت را با بیگانه‌گرایی یکسان بدانیم، امروزه عده‌ای به ویژه گروه‌های سیاسی با اهداف خاص هویت دینی را در مقابل هویت ملی قرار می‌دهند و هویت ملی را معادل غرب‌گرایی و غرب‌زدگی می‌دانند. این بخش را تحت عنوان عناصر بومی - ملی بررسی می‌کنیم و مراد از آن، مجموعه ارزش‌های ملی، جامعه‌ای، انسانی و ... است که دارای ابعاد تاریخی، جغرافیایی (آب و خاک) می‌باشد؛ مهم‌ترین عناصر بومی - ملی که در آثار مستور آمده است، شامل پنجاه و نه مؤلفه است که با نگاهی فراگیر و اجمالی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم:

با توجه به حوادث و شخصیت های داستان های مستور که برخاسته از اجتماع و زندگی عادی مردم است زبان زدها جایگاه ویژه ای دارد. زبان زدها که دانش عامه مردم روزگاران گذشته و حال است که محتوای آن ها گاه پندآمیز و گاه غیرپندآمیز است، که در قالب های گوناگون نظیر: اصطلاحات، کنایات، استعارات، مثل ها و عبارتهای قالبی مانند: تعارفها، خوشآمدگوییها، دعاها، نفرینها، دشنامها، ستایشها، تهدیدها، سپاسگزاریها، متلکها و واژگان عامیانه و ... را شامل می شود. کنایاتی که در آثار مستور آمده از نوع ادبی و فن بیان نیست بلکه کنایاتیست که به شکل عامیانه و روزمره در میان مردم رواج دارد. سوگندهای او هم از جنس محکم و رسمی نیستند؛ سوگندهای عادی که میان مردم رایج است در آثارش دیده می شود. در آثار مستور زیاد به ضرب المثل ها اشاره نشده است فقط در چند مورد آمده است. در فرهنگها صفتی را به فردی منسوب کنند و همراه اسمش به زبان بیاورند پیشینه طولانی ای دارد؛ این صفتها گاه منفی و گاه مثبت بوده است این رفتار اجتماعی در آثار مستور آمده است. او به بازی های کودکانه نیز اشاره کرده است البته بازی های کودکانه او نه از جنس بازی های کودکان امروزی است نه از نوع بازی های کودکان قدیم بلکه به بازی های کودکان هم نسل خودش اشاره می کند. نظیر: تپله بازی، بادبادک بازی، لی لی بازی، عروسک بازی، قایم باشک بازی، کفتر بازی و ... . اگرچه بعضی از بازیها نظیر: عروسک بازی و قایم باشک بازی امروزه هم رایج هستند. در میان بازی های رایج فقط به دو بازی سنتی و قدیمی شطرنج و بازی نرد بازی که ابداع آن را نیز به ایرانیان نسبت داده اند اشاره کرده است. و در میان ورزشها فقط به ورزش بوکس اشاره کرده است. یکی از سنت های ملی و اجتماعی خواستگاری و بر پا کردن سفره ی عقد به هنگام خواندن خطبه ی عقد توسط عاقد است که معمولاً آیین و شمع دان، قرآن، نان و پنیر و ... روی سفره عقد می گذارند؛ در آثار مستور منعکس شده است. در آثار او ازدواجها بیش تر عاشقانه هستند؛ او فقط به یک سنت اجتماعی توجه ندارد بلکه ابتدا عشق را مطرح می کند و ازدواج را وسیله ای برای رسیدن عاشق و معشوق به هم می داند. او با توجه به فرهنگ ما دیر ازدواج کردن را امری ناپسند می شمارد؛ و کسانی که دیر ازدواج می کنند و یا به نوعی ازدواجشان به تأخیر می افتد با اصطلاحاتی نظیر ترشیده شدن و غیره مورد سرزنش و ملامت قرار می دهد. او به یکی از سنت های رایج قبل از ازدواج رسمی که، بله برون است و در آن خانواده داماد و عروس به طور رسمی با هم آشنا می شوند، اشاره دارد. مستور عروسی را یک رسم مقدس می داند با توجه به پراکندگی جغرافیایی و اقوام گوناگونی که در کشور



ما زندگی می‌کنند، آداب و خصوصیات خاص خودش را دارند؛ در آثارش منعکس می‌سازد. یکی از مراسم و عادات ایرانیان، بعد از عروسی این است که عروس و داماد به یک مسافرت می‌روند که این اولین سفر بعد از عروسی را ماه عسل می‌گویند. این عمل به عنوان یک عادت از فرهنگ ایرانی در آثار او بازتاب یافته است. او یکی از شیرین‌ترین لحظات زندگی را تولد بچه می‌داند؛ با تولد بچه زندگی استحکام و قوام خاصی پیدا می‌کند برای همین هست که در سنت اجتماعی ما داشتن بچه از اهمیت خاصی برخوردار است؛ و تولد که اولین مرحله‌ی زندگی انسان است را مبارک و میمون می‌شمارد و سال روز تولد را جشن گرفتن و به رقص و شادمانی پرداختن را از مراسم‌های مربوط به تولد می‌شمارد. مستور زندگی را زنده بودن و گذران روزگار نمی‌داند بلکه یک نگاه عمیق فلسفی به آن دارد و معتقد است تفکر زیاد و عمیق به زندگی، زندگی را برای انسان تلخ و دشوار می‌سازد. او به یکی از باورهای اجتماعی که ترس از مرده و مردن است اشاره می‌کند لازم به ذکر است که عده‌ای به واسطه برخی از باورهای بومی و اقلیمی از مرده می‌ترسند؛ و این باور را به ذهن ما خاطرنشان می‌سازد که باید بعد از مرگ از خود نشان گذاشت؛ شاید این خواسته قلبی همه انسان‌ها باشد که بعد از مرگ از خودشان اثری و یادگاری به جا بگذارند. این باور در فرهنگ ایرانی بسیار مورد توجه است و در آثار مستور از زبان و اعمال شخصیت‌ها قابل فهم و درک است. آرامگاه ابدی همه انسان‌ها قبرستان است رفتن به سر قبر اموات و روشن کردن شمع روی قبر درگذشتگان و خفتگان در خاک یکی از آداب اجتماعی ماست که در آثار مستور بازتاب یافته است. در آثار مستور فقط در سه مورد به مفاخر و شاعران اشاره شده است: بساطی سمرقندی شاعر قرن هشتم و خاقانی و حافظ. مستور که خودش اهل خوزستان است؛ از نزدیک جنگ را لمس کرده و با مصائب آن آشنا است این از آن روست که دفاع از وطن و مرز و بوم به عنوان یک باور ملی و عقیدتی همواره در باور مردم و زن و مرد ایرانی حضور داشته است: از این رو این واقعه مهم در تاریخ ایران در آثار او انعکاس می‌یابد و شهادت را یکی از پیامدهای جنگ تحمیلی می‌داند و به مسئله‌ی شهادت و شهید اشاره‌هایی می‌کند. یکی از آداب اجتماعی و مرسوم فرستادن پیام‌های تسلیت جهت احترام به بازماندگان و مطلع کردن دیگران است که مستور به آن اشاره دارد. یکی از جشن‌های ملی ما فرا رسیدن عید نوروز در فصل بهار است که او آن را مهم‌ترین حادثه سال می‌داند که مردم از اوایل اسفند خود را مهیای آن می‌کنند. دیگر از سنت‌های پسندیده‌ی ایرانیان خوش آمد گویی هنگام ورود مسافر یا مهمان است که در آثار مستور به اشکال مختلف بازتاب یافته است. یکی از کارهای نوع دوستانه در فرهنگ ایرانی و بلکه انسانی کمک به هم نوع و هم کیشان است که به آن اشاره شده است. طنز به معنای واقعی و علمی آن در آثار مستور کمتر دیده می‌شود

فقط در حد تمسخر و خنده است. دعا و نفرین که در بین مردم ما بازتاب خاصی دارد هم چنان که در مبحث قضا و قدر گفتیم دعا حتی می تواند قضا و قدر را تغییر دهد. نفرین که از نوع باور عامیانه و محاوره‌ای است در بین مردم ما رواج دارد. از آن جایی که اکثر شخصیت‌های داستانی مستور از توده مردم و قشر متوسط جامعه هستند، این کنش در داستان او تجلی داشته است. به مجموعه اعتقادات و باورهای مردم که منشا آنها عموماً اجتماعی است باورهای عامیانه می‌گویند. در آثار مستور به باورهایی نظیر: روشن کردن شمع روی قبر، نجس بودن گربه، وجود هیولا و غول، سحر و جادو، اعتقاد به پاک بودن ماه، دیدن جن و هم چنین باور غلط بستن دخیل روی درخت و یا پنجره‌های ضریح امامان و امامزادگان که به عنوان یک تفکر نادرست در بین مردم بخصوص عوام جا افتاده است اشاره نموده است. یکی از عادات اجتماعی مردم بهخصوص قشر باسواد جامعه خواندن روزنامه است که به آن اشاره شده است. او به اساطیر ملی نیز توجه دارد و مارهای روی دوش ضحاک را خاطر نشان می‌سازد. در آثار مستور به گوشه‌هایی از تاریخ دوره مادها، حملات مغول و ... اشاره شده است. او به ویژه ی اجتماعی سربازی نیز اشاره دارد و بعضی از فضاهای داستانی او را پادگان تشکیل می‌دهد. در میان آثار مستور به اشعار فروغ و بیژن نجدی و همچنین اشعاری از سیسیل گانگن استشهد شده است. او به سنت بافندگی، میوه ی توی حوض انداختن، قصه گویی و قهوه خانه نشینی نیز اشاره دارد. در حوزه ی بازار و اقتصاد به بازهای هفتگی و کالا برگ زمان جنگ اشاره می‌کند. یکی از باورهای عامیانه و اعتقاد مردم، مقدس بودن عدد هفت است بر این اساس ایام هفته هفت روز است، بهشت را هفت طبقه می‌دانند و ... به کرات در داستان های مستور بازتاب یافته است. یکی از عام‌ترین و مردمی‌ترین نوع ادبیات، ادبیات جاده‌ای است؛ نوشته‌ها و تصاویری که بر روی ماشین‌ها بهخصوص ماشین‌های سنگین نقش بسته است، ادبیات جاده‌ای ما را تشکیل می‌دهد که معمولاً عبارات پندآموز، ضرب‌المثل، مضامین عاشقانه، یاس، امید و ... در آثار مستور آمده است. مستور نگاهی عمیق و تخصصی به موسیقی ندارد بلکه فقط در چند مورد محدود به نواختن پیانو اشاره می‌کند. از ویژگی‌های منحصر به فرد مردم ما حس کمک و هم‌دردی است که از اهمیت خاصی برخوردار است. بیش‌ترین مناطق جغرافیایی که مستور به آنها اشاره می‌کند و فضای داستان‌های او را تشکیل می‌دهد شهر تهران و اطراف آن است. یکی از باورهای عامیانه که به غلط در بین بعضی از مردم بهخصوص قدما مطرح بوده باور نداشتن به علم پزشکی بوده است و درمان با دارو به وسیله طبیب را امری بیهوده می‌دانستند. قدما برای کسوف و خسوف نیز اهمیت خاصی قایل بودند امروزه با پیشرفت علم، مردم این‌پدیده‌های طبیعی را امری طبیعی تلقی می‌کنند. یکی از باورهای رایج، لزوم ازدواج پس از مرگ همسر است اگر چه در جامعه ما این امر

برای آقایان امری طبیعی به حساب می‌آید در مورد خانم‌ها کمی زشت و ناهنجار است . مستور می‌خواهد این امر به ظاهر ناهنجار را که حتی خیلی از خانم‌ها نیز به آن پای بند هستند به نوعی هنجار و حق طبیعی زنان بدانند.

### جدول هویت‌های ملی در آثار مصطفی مستور

ردیف	عنوان	ارجاع منبع و صفحه
۱	زبان‌زدها	
۱-۱	کنایات	روی ماه: ۴۸، ۴۹، ۱۰۴ دانای کل: ۶۵، چند: ۶۰، ۶۳ گنجشک نیستم: ۷۹، چند: ۶۰، ۶۳ استخوان: ۵، ۶، ۷، ۱۲ دانای کل: ۳۰، ۳۷، ۴۰ دویدن: ۱۱ چند: ۶۰
۲-۱	سوگند	روی ماه: ۴۲، ۲۰ دانای کل: ۴۰ دویدن: ۲۵ چند: ۲۶ گنجشک نیستم: ۵۳ حکایت: ۸
۳-۱	ضرب‌المثل	دانای کل: ۸۷، عشق: ۴۶
۲	اسم گذاشتن برای مردم	دانای کل: ۷۰، ۷۱، ۷۶ عشق: ۵۱، ۵۳، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۸، ۶۹ استخوان: ۱۷ حکایت: ۳۶
۳	بازی کودکانه	روی ماه: ۱۱۱ و ۱۱۲ دویدن: ۱۹ گنجشک نیستم: ۱۹ و ۳۷ دانای کل: ۶۲، ۷۲، ۷۴ چند: ۲۶ حکایت: ۳۱، عشق: ۶۳، ۹۷، ۹۸، ۴۰، ۴۱، ۵۹، ۶۰
۴	بازی های ملی	گنجشک نیستم: ۱۹ عشق: ۶۹
۵	ورزش	تهران: ۵۷
۶	خواستگاری	روی ماه: ۳۷، تهران: ۶۱، چند: ۵۵، ۶۸، عشق: ۴۱.
۷	سفره عقد	حکایت: ۲۷
۸	ازدواج	روی ماه: ۵، ۱۶، ۳۶ دانای کل: ۳۷، ۳۹ تهران: ۶۳ چند: ۶۸، ۹۲ گنجشک نیستم: ۱۱، ۲۹ عشق: ۵۵، ۷۱، استخوان: ۶

۹	ازدواج در سن مناسب	دانای کل: ۵۳ تهران ۶۹
۱۰	بله برون	چند: ۳۲
۱۱	عروسی	گنجشک نیستم: ۲۹، عشق: ۸، ۲۱ حکایت: ۵۳، ۵۷، ۶۰ روی ماه: ۱۰۵ تهران: ۱۹ چند: ۳۲، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۹۲
۱۲	ماه غسل	روی ماه: ۱۶
۱۳	تولد	چند: ۵۵ و ۶۷ حکایت: ۱۳
۱۴	بچه دار شدن	دانیل کل: ۳۷ و ۳۸ عشق: ۴۱
۱۵	زندگی	روی ماه: ۶ و ۸ گنجشک نیستم: ۲۹، ۳۴ عشق: ۷۲، ۸۲
۱۶	رقص	چند: ۷۴، عشق: ۸۳ حکایت: ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۵۷
۱۷	ترس از مرگ	روی ماه: ۳۱ و ۳۸ دانای کل: ۸۰، ۸۱، ۸۲ تهران: ۴۲ چند: ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۷۶ گنجشک نیستم: ۸۱ عشق: ۹۴
۱۸	بعد از مرگ از خودنشان گذاشتن	روی ماه: ۱۰
۱۹	قبرستان	حکایت: ۲۷
۲۰	مفاخر و شاعران	تهران: ۴۹، ۵۵ عشق: ۵۲، ۶۳، ۶۴ استخوان: ۳۲
۲۱	جبهه و جنگ	عشق: ۶۳، ۶۴ استخوان: ۲۳، ۲۵، ۳۴، ۵۰ روی ماه: ۱۰۵ چند: ۵۰، ۶۷، ۶۸ گنجشک نیستم: ۴۹، عشق: ۴۲، ۴۳ استخوان: ۲۲
۲۲	شهادت	روی ماه: ۳۳، ۱۰۵ عشق: ۴۲، ۶۴
۲۳	تسلیت گفتن	روی ماه: ۱۵ و ۱۷
۲۴	عید	روی ماه خدا: ۱۰۵ گنجشک نیستم: ۲۹
۲۵	هدیه دادن	روی ...: ۵۴ دانای کل: ۴۰، ۴۱، ۷۲ چند: ۵۱، ۸۷ حکایت: ۱۹، ۴۴
۲۶	خوش آمدگویی	روی ماه: ۸۴
۲۷	معجزه	روی ماه: ۸۷ تهران: ۵۳
۲۸	دعا	روی ماه: ۲۸، عشق: ۴۷
۲۹	نفرین	روی ماه: ۲۸ و ۳۵ چند روایت ۲۶

۳۰	طغر	حکایت: ۳۲ و ۴۹
۳۱	باور عامیانه	گنجشک ...: ۷، ۱۵، ۲۴، ۴۷، استخوان: ۳۹، ۵۲، ۵۳ حکایت: ۲۷
۱-۳۱	باور به نحس بودن گربه	عشق: ۹۱ و ۹۳
۲-۳۱	باور به وجود هیولا	روی ...: ۱۰ تهران: ۳۷ گنجشک ...: ۱۹، ۵۶، ۵۷، ۸۰ استخوان: ۶۸ حکایت: ۸، ۵۸
۳-۳۱	سحر و جادو	روی ...: ۱۱۰، چند: ۸۱، ۸۸ حکایت: ۸
۴-۳۱	باور عامیانه به غول	استخوان: ۹ حکایت: ۳۴
۵-۳۱	دیدن جن	روی ...: ۲۳، ۸۲، ۸۳ حکایت: ۳۲ گنجشک ...: ۸ عشق: ۶۷
۶-۳۱	اعتقاد به پاک بودن ماه	دانای کل ۱۹
۷-۳۱	قسمت و سرنوشت	دانای کل: ۵۳، عشق: ۴۶
۸-۳۱	دخیل بستن	عشق: ۴۰، ۶۵
۳۲	روزنامه خواندن	روی ...: ۱۵، ۶۱، ۱۰۰، ۱۰۱ دانای کل: ۳۹
۳۳	تلمیحات داستانی	دانای کل: ۸۳
۳۴	اساطیر	دانای کل: ۸۲
۳۵	تاریخ ایران	دانای کل: ۴۲، ۴۳، ۴۵ گنجشک ...: ۸ عشق: ۴۶
۳۶	سربازی	گمچشک نیستم: ۱۵
۳۷	استشهاد- شاعران	رومی ...: ۲۳، ۷۹ چند: ۲۱، ۶۵
۳۸	بافندگی	چند: ۷۹
۳۹	کوپن (کالا برگ)	استخوان: ۶۰
۴۰	بازار	چند: ۷۵
۴۱	سنت میوه تروی حوض گذاشتن	عشق: ۹۲
۴۲	مقدس بودن عدد هفت	دانای کل: ۵۹ تهران: ۴۰ گنجشک ...: ۷۹ عشق ۹۴

۴۳	علم	روی ماه: ۲۵
۴۴	ادبیات جاذه‌ای	روی ماه: ۲۷
۴۵	موسیقی	تهران: ۲۸ و ۲۸
۴۶	تعارف	گنجشک نیستم: ۲۷
۴۷	تنبیه اجتماعی اعدام	روی ماه: ۱
۴۸	استقبال و پیشواز مسافر رفتن	روی ...: ۱
۴۹	سنت قصه گویی	روی ...: ۳۷
۵۰	تعاون و همدردی	روی ...: ۸۳
۵۱	ویژگی جغرافیایی	روی ...: ۷۴، ۷۶، ۸۱ عشق: ۴۲، ۵۷، ۵۸
۵۲	اهمیت ندادن به علم پزشکی	عشق: ۹۰
۵۳	اهمیت کسوف و خسوف	من گنجشک: ۵۵
۵۴	ازدواج پس از مرگ	عشق: ۶۶
۵۵	سنت قهوه خانه	عشق: ۶۶
۵۶	سینما و فیلم	روی ماه: ۴۰
۵۷	ادبیات عامیانه	روی ماه: ۴۰
۵۸	واژه های عامیانه	چند: ۱۷
۵۹	عزاداری	چند: ۲۶، استخوان ...: ۶۲

## نتیجه گیری

در کل این پژوهش، تلاش شد تا به بهترین شکل عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی و اسلامی (ملی و دینی) در آثار مصطفی مستور مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا هویت و عناصر تشکیل دهنده آن را مورد بحث و بررسی قرار دادیم و سپس به معرفی عناصر و مؤلفه‌های بومی و دینی در آثار مستور پرداختیم. نگاه کلان به مساله پژوهش نشان می‌دهد که هویت آن چیزی است که مایه‌ی شناختن ما از دیگران می‌شود؛ شخصیت هر فرد است که نشان می‌دهد که او شبیه هیچ کس دیگر نیست. هویتی که به شخص انسان از مقوله‌ی اقلیم، آب و خاک، محل تولد، ویژگی‌های جغرافیایی و ... می‌پردازد جزو هویت‌های ملی است و هویتی که به اعتقادات، ایدئولوژیو دین و مذهب انسان را شامل می‌شود و جزو هویت‌های دینی است. بررسی مجموعه آثار او نشان می‌دهد که هرگز نباید مفهوم ملیت را با بیگانه‌گرایی یکسان بدانیم و فارغ از علایق سیاسی نباید هویت ملی را در مقابل هویت دینی قرار دهیم. از آن جایی که کشور ما از جمله معدود کشورهای دنیاست که اقوام مختلف و متعددی را در خود گنجانده، دارای هویت‌های متنوع ملی است و از طرفی با توجه به دین رسمی کشور ما و مذهب تشیع، افکار و باورهای دین اسلام به خصوص مذهب شیعه در آثار نویسندگان ما بسیار پررنگ است.

مستور به عنوان یک انسان ایرانی - اسلامی که معتقد به مذهب شیعه نیز است با توجه به افکار و اندیشه‌های شخصیت‌هایش که غالباً ایرانی - مسلمان و شیعه هستند، به خوبی این هویت‌ها و مؤلفه‌ها را در آثارش معرفی می‌کند. به طور کلی در آثار مستور ۵۹ مؤلفه ملی و ۵۳ مؤلفه‌دینی ابتدا معرفی و سپس با توجه به آثار مستور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت در این بحث و بررسی به این نتیجه رسیدیم که مستور هویت ملی و دینی خود را در آثارش گنجانده است. بیش‌تر آثار او معنویت گراست و در بین مؤلفه‌های دینی ایمان و اعتقاد به خداوند از اهمیت خاصی برخوردار است به طوری که رمان روی ماه خداوند

را ببوس - مهم‌ترین اثر داستانی او نیز می‌باشد - ابتدا با یک شک فلسفی و سپس با برهان عقلی و عینی وجود خداوند را به اثبات می‌رساند.



انجمن علمی زبان ادبیات فارسی



ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱



## منابع

- قرآن ، ترجمه الهی قمشه‌ای. (۱۳۶۷). تهران: بنیاد نشر قرآن.
- نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی. موسسه‌ی فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع). ۱۳۸۴.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۲). تجربه‌های سیاسی در میان ایرانیان. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۶۰). هویت صنفی روحانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. دانشگاه تهران. موسسه دهخدا.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). بیان، تهران: چاپ هفتم. نشر میترا.
- صدیقی، علیرضا. (۱۳۸۸). بومی‌گرایی و تأثیر آن بر ادبیات داستانی معاصر ایران. مؤلفه‌های ملی در ایران. ص: ۱۰۰.
- صدیقی، علیرضا. (۱۳۸۸). پایان‌نامه، بررسی انعکاس جنبه‌های بومی و رویکردهای بومی‌گرایانه در ادبیات داستانی معاصر ایران پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلّم تهران.
- گرچی، مصطفی. (۱۳۸۴). بررسی زمینه‌های عوامل و عناصر بومی‌گرایی در ادبیات مثنوی از ۱۳۰۰ - ۱۳۲۰ طرح پژوهشی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- .....، (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل عناصر بومی (دینی و ملی) بزرگ‌ترین رمان فارسی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، یازدهم.
- معلوف، امین. (۱۳۸۱ / ۱۹۴۹). هویت‌های مرگبار ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- مستور، مصطفی. (۱۳۸۸). چند روایت معتبر. تهران: نشر چشمه.
- .....، (۱۳۸۸). دویدن در میدان تاریخ مین. تهران: نشر چشمه.
- .....، (۱۳۸۸). من دانای کل هستم. تهران: نشر ققنوس.
- .....، (۱۳۸۹). استخوان‌های خوک و دست‌های جذامی. تهران: نشر چشمه.

..... (۱۳۸۹). تهران در بعدازظهر. تهران: نشر چشمه.

..... (۱۳۸۹). حکایت عشقی بی قاف بی شین بی نقطه. تهران: نشر چشمه

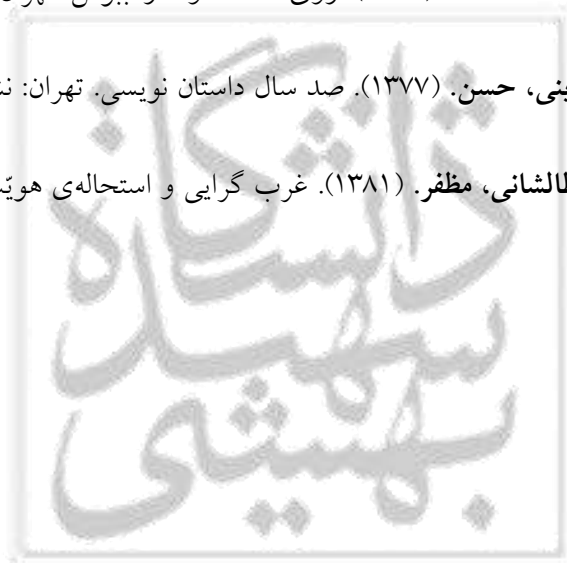
..... (۱۳۸۹). عشق روی پیاده‌رو. اهواز: نشر رشن.

..... (۱۳۸۹). من گنجشک نیستم. تهران: نشر مرکز.

..... (۱۳۹۰). روی ماه خداوند را ببوس. تهران: نشر مرکز.

..... (۱۳۷۷). صد سال داستان نویسی. تهران: نشر چشمه.

..... (۱۳۸۱). غرب‌گرایی و استحاله‌ی هویت ملی ایران. مؤلفه‌های ملیدر ایران. ص ۱۵۴.



ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱